



نام و نام خانوادگی:
 هارولد کلاپتون لوید
 تولد:
 ۲۰ آوریل ۱۸۹۳،
 برکارد نبراسکا، آمریکا
 مرگ:
 ۸ مارس ۱۹۷۱، بورلی هیلز،
 کالیفرنیا، آمریکا
 والدین:
 پدر، جیمز داریس لوید و مادر،
 سارا الیزابت فریزر

نگاهی کوتاه به زندگی و آثار هارولد لوید

ستاره‌ی کم‌حاشیه‌ی سینمای کمدی

بود آشنا شد و دوره‌یی نه چندان موفق را با او سپری کرد. بعد از آن در سال ۱۹۱۷ با «هال روچ»، رقیب مک سنت، آشنا شد و به گروه او پیوست. او کار هنری را با روچ ادامه داد و در این مدت، شخصیتی به نام «لوک تنها» را خلق کرد که در واقع تقلیدی از شخصیت چارلی چاپلین بود. لوید در ۲۸ فیلم کوتاه با این شخصیت ظاهر شد، اما پس از آن تصمیم گرفت تغییراتی در روند کاری خود ایجاد کند از این رو شخصیت خاص خود را خلق کرده و در فیلم «ما هرگز نمی‌خواهیم»، با شخصیت همیشگی خود ظاهر شد؛ مردی ساده‌دل از طبقه‌ی متوسط جامعه که مهم‌ترین مشخصه‌ی او، عینک قاب‌شاهی بود که تا پایان عمر سینمایی‌اش با او همراه بوده و به عنوان امضایی در تمام کارهایش باقی ماند.

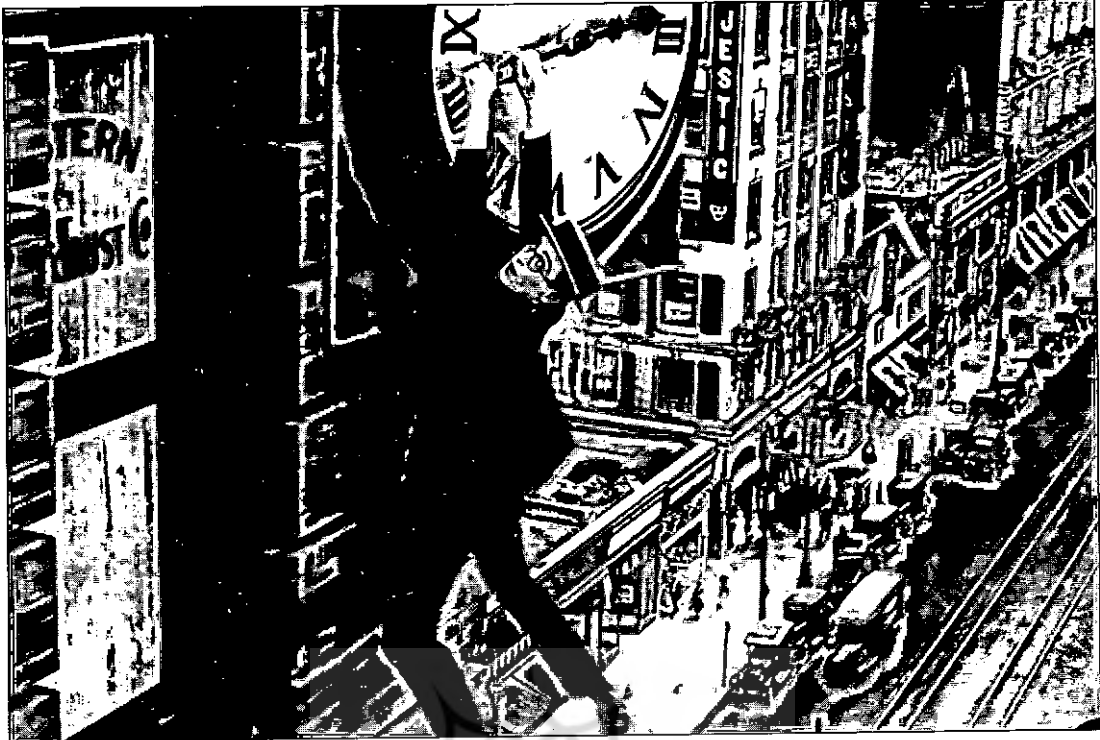
شوخی‌های لوید

لوید تا سال ۱۹۲۱، در ۲۸ فیلم کوتاه ظاهر شد که توسط کارگردانانی چون «هال روچ»، «الف گودینگ» و «جی. دلیو. پرات» ساخته شده بودند؛ از این فیلم‌ها می‌توان به «از پدر بیرس» (۱۹۱۹)، «یک غربی از شرق آمده» (۱۹۲۰)، «جن‌های سمج» (۱۹۲۰) و ... که شوخی‌های جالب توجهی داشتند، اشاره کرد. این فیلم‌های کوتاه باعث شهرت هارولد لوید، به عنوان کمدینی موفق، در میان مردم شدند و در واقع او را به چهره‌یی شناخته‌شده، قبل از بازی در اولین فیلم سینمایی‌اش، منبل ساختند. در سال ۱۹۲۱، لوید اولین فیلم بلند سینمایی خود با نام «ملوان مادرزاد» را بازی کرد و به این ترتیب، زودتر از چاپلین و کیتون موفق به ایفای نقش در یک فیلم سینمایی شد. بعد از این، لوید در چندین فیلم سینمایی دیگر در دوره‌ی صامت سینما به

مهدی و فهمیه فلاح‌صایر

اگر «چارلی چاپلین» به کمدی شخصیت مشهور است و اگر «لورل» و «هاردی» به خاطر میمیک خنده‌دار خود در عالم سینما مطرح شدند، در این میان «هارولد لوید» کمدینی بود که به‌واسطه‌ی موقعیت‌های خنده‌داری که برایش پیش می‌آمد موجب خنده‌ی تماشاچی می‌شد. در واقع، او را یکی از مهم‌ترین بازیگران کمدی موقعیت در تاریخ سینما می‌دانند؛ مردی که باعث شد تا روزی که سینما وجود دارد، نام او به عنوان کمدینی خلاق در تاریخ آن ثبت شود و هنوز هم مردم از تماشای فیلم‌هایش لذت ببرند و به آن‌ها بخندند و البته این سبک کاری، مورد استفاده‌ی بسیاری از کمدین‌ها در دوره‌های بعد نیز قرار گیرد. عاشقان فیلم‌های کمدی صامت، او را رقیب برجسته و نزدیک «چاپلین» و «کیتون» می‌شناسند، اما تماشاگران کنونی فیلم و سینما، جز شناسایی سطحی چهره‌ی او، هیچ برداشت و اطلاعات عمیق و دقیقی از این ستاره‌ی ارزشمند و جناب سینمای کمدی دهه‌های ۱۹۱۰ و ۱۹۲۰ ندارند و در واقع قادر به درک و شناخت او نیستند.

هارولد لوید در بیستم آوریل ۱۸۹۳، در برکارد نبراسکا (آمریکا) متولد شد. او پسر یک عکاس ناموفق بود که در سر راهش به سن دیه‌گو، یک سالن شرط‌بندی روی مسابقات اسب‌دوانی دایر کرده بود. لوید که از همان کودکی به کارهای نمایشی علاقه داشت، در سال ۱۹۱۲ برای جست‌وجوی کار در زمینه‌ی سینما، به استودیوهای مختلف در لس آنجلس رفت تا این که بالاخره توانست در یک فیلم نقش کوتاهی در قالب یک سرخ‌پوست دست و پاچلفتی بگیرد؛ این آغاز، هر چند آغازی چندان باشکوه برای هارولد لوید نبود، اما به هر حال شروعی بود برای فعالیت هنری این ستاره‌ی آینده‌ی سینما. لوید پس از این با «مک سنت» که یکی از کارگردانان آن زمان هالیوود



از سال ۱۹۲۸ و همزمان با ناطق شدن سینما، هر چند که لوید به فعالیت خود ادامه داد، اما نتوانست همچون گذشته مانند یک ستاره برخشد؛ با این که مردم همچنان او را بدون صدا دوست داشتند، اما ستارگان زیادی نیز همزمان با وقوع این امر، به عالم سینما وارد شدند.

در دوره‌ی ناطق، لوید با کارگردانی چون «سام تیلور» و «لئو مک کری» همکاری کرد. آخرین فیلم لوید، «چهارشنبه‌ی جنون‌آمیز» نام داشت که هر چند در آن با «پرستون استرجس»، کارگردان و طنزپرداز مشهور آن دوران، همکاری کرد، اما شکستی تمام‌عیار برای لوید بود و به همین خاطر از بازیگری در سینما کناره‌گیری کرد. او شم اقتصادی بسیار خوبی داشت به طوری که تا پایان عمر با مشکل اقتصادی روبه‌رو نشد و از زندگی بسیار مرفه‌ی، مانند یک ستاره‌ی سینما، برخوردار بود.

لوید بین سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۳ با گردآوری و تدوین مجدد برخی از سکانس‌های درخشان فیلم‌های صامتش، دو فیلم به نام‌های «دنیای کم‌دی هارولد لوید» و «سوی مسخره‌ی زندگی» را روانه‌ی بازار کرد که در گیشه بسیار موفق عمل کردند و دوباره نام این ستاره‌ی سینمای صامت را بر سر زبان‌ها انداختند.

هارولد لوید در سال ۱۹۷۱ و در ۷۷ سالگی بر اثر ابتلا به سرطان درگذشت، در حالی که بیش از پنج میلیون دلار از او ثروت باقی ماند ■

گزیده‌ی آثار

«از پدر بپرس» (۱۹۱۹)، «یک غربی از شرق آمده» و «جن‌های سمج» (۱۹۲۰)، «سلامتی در آخر» (۱۹۲۳)، «آدم خجالتی» و «آب داغ» (۱۹۲۴)، «محض رضای خدا» (۱۹۲۶)، «دیوانه‌ی فیلم» (۱۹۳۲)، «پنجه‌ی گربه» (۱۹۳۴)، «راه‌شیری» (۱۹۳۶) و «پروفسور مراقب باش» (۱۹۳۸).

ایقای نقش پرداخت که همه‌ی آن‌ها فیلم‌های بسیار موفق بودند و از آن جمله می‌توان به این عناوین اشاره کرد: «سلامتی در آخر» (۱۹۲۳)، «آدم خجالتی» (۱۹۲۴)، «آب داغ» (۱۹۲۴)، «محض رضای خدا» (۱۹۲۶) و ... بیش‌تر این فیلم‌ها توسط کارگردانی چون «فرینو مهیر»، «سام تیلور» و «تد وایلد» کارگردانی شدند و در برخی از آن‌ها، صحنه‌های سینمایی به‌یادماندنی ثبت شده که برای همیشه در حافظه‌ی بسیاری از تماشاچیان هم باقی خواهد ماند؛ از آن جمله می‌توان به بالا رفتن هارولد لوید از یک آسمانخراش و آویزان شدن او از عقربه‌ی ساعت برج در فیلم «سلامتی در آخر» و یا کشیدن دندان جان اسن غول‌پیکر در زندان، در فیلم «تگرانی چرا» اشاره کرد. همین آثار کافی بودند تا نام لوید به عنوان یکی از ستارگان ماندگار دوره‌ی سینمای صامت، در کنار بزرگانی چون چارلی چاپلین و باستر کیتون قرار گیرد.

بیش‌تر فیلم‌های لوید سرشار از صحنه‌های هیجان‌انگیز است که با توجه به فیزیک بدنی او، این مهم به بهترین شکل ممکن در فیلم‌ها اجرا می‌شد. لوید شخصیتی ساده داشت و شاید کم‌دینی به بزرگی چاپلین نبود، اما به هر حال او شخصیتی از قشر متوسط جامعه بود که دغدغه‌اش فقر و نداری نبوده و مسایل ساده‌تری را در فیلم‌هایش نمایش می‌داد. برای لوید شادی و طراوت در کار مَلَک بود و کم‌دی‌های او انتقادی و یا کم‌دی سیاه نبودند. بیش‌تر شوخی‌های او فیزیکی بوده و شاید به همین علت بود که بسیاری می‌توانستند با فیلم‌ها و شخصیتش ارتباط برقرار کنند.

درخشش یک ستاره

لوید در سال ۱۹۲۳، با «میلارد دیویس»، همبازی بسیاری از فیلم‌هایش، ازدواج کرد؛ پیوندی که به مدت ۴۰ سال یعنی تا زمان مرگ همسرش در سال ۱۹۶۳ ادامه داشت و از این حیث، لوید یکی از کم‌حاشیه‌ترین ستارگان تاریخ سینما به شمار می‌رود.